

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آثار تربیتی تقوا از نگاه آیات و روایات

محمود رزاقی^۱

چکیده

در این تحقیق آثار تربیتی تقوا در عرصه فردی و اجتماعی از نگاه آیات و روایات مورد بررسی قرار گرفته است. طبق آموزه های آیات و روایات، تقوا آثار تربیتی زیادی دارد که برخی از آنها در حوزه فردی و برخی دیگر در حوزه اجتماعی نمایان می شود. هدف تحقیق حاضر این است که از آثار تقوا، به آثار تربیتی آن بپردازد. در تحقیق حاضر بیان شده است که واژه تقوا از مصدر وقایه و ریشه «وقی» در لغت به معنای «حفظ کردن و نگاه داشتن از بدی و گزند» است. تقوا اصطلاحی اخلاقی به معنای خویشنداری در اطاعت از دستورات الهی و دوری از گناهان است. و تربیت در لغت، به معنای پرورش دادن است که در آن نمو و زیادتی ملاحظه شده است. معنای تربیت در یک عبارت این است: «روش رفتاری و گفتاری دادن به غیر، طوری که این روش، ملکه ذهن او شود.» از بیانات این دو ثقل ثقیل، می توان به آثار تربیتی تقوا در حوزه فردی مانند: هدایت، آزادی از تنگناها و رفتاری ها، جلب محبت خدا، اصلاح تباهی قلب و طهارت نفس، آموزش تعالیم الهی و... و آثار تربیتی تقوا در حوزه اجتماعی، روشن بینی و بصیرت افزایی، بیدار کردن وجدان کاری، بینایی و شکوفایی عقل، بهره مندی از نصرت و یاری خداوند، رشد و تکامل جامعه و رسیدن به اهداف الهی، کرامت انسانی و مانند آن رسید.

کلید واژه ها: تقوا، تربیت، آثار، فرد، اجتماع

^۱مدرس جامعه المصطفی العالمیه - فقه و معارف آشتیان

مقدمه

تقوا در مکتب اسلام از موقعیت بسیار ممتازی برخوردار است و به عنوان یک ارزش اصیل اخلاقی و هدف تشریح احکام و نیز بهترین توشه آخرت و بزرگ ترین وسیله سعادت معرفی شده است. خداوند می فرماید؛ برای آخرت خودتان توشه ای تهیه کنید، چون بهترین توشه ها تقواست. و باز می فرماید؛ گرامی ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست. به این ترتیب بر تمام امتیازات ظاهری و مادی خط بطلان کشیده و اصالت و واقعیت را به مساله تقوا می دهد.

تقوا از مهم ترین آموزه ها و خواسته های خداوند تبارک و تعالی است. در قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) راجع به این موضوع بسیار سخن آمده است. درباره ارزش والای تقوا، درباره درجات تقوا، درباره آثار دنیوی و اخروی تقوا، درباره صفات متقین و ده ها موضوع مرتبط با آن. از بین آن مطالب، تحقیق حاضر فقط در بخش آثار تقوا آن هم فقط برخی از آثار تربیتی تقوا سخن به میان آورده است و خواسته است که سهم بسیار اندکی در تخریم به قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) داشته باشد. و جوی باریکی از چشمه سار این دو ثقل ثقیل را برای مخاطب روانه کند.

این نوشته ابتدا دو واژه مهم در موضوع یعنی تقوا و تربیت را مفهوم شناسی می کند و سپس به بررسی آثار تربیتی فردی تقوا از منظر تقلین می پردازد و در بخش بعدی به آثار تربیتی اجتماعی آن می پردازد.

درباره این موضوع و موضوعات مشابه آن، نوشته های فراوانی به چشم می خورد و از جمله: آثار و برکات تقوا در قرآن نوشته مهدی زیرکی نشریه پاسدار اسلام شماره ۲۹۳؛ آثار تقوا، اثر مطهری مرتضی مجله دندانپزشکی پاییز ۱۳۸۹، دوره ۲۲، شماره ۳؛ پایان نامه آثار و پیامدهای تربیتی تقوا وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه - دانشکده الهیات و معارف اسلامی نویسنده شعبان علی حسنی؛ بررسی و تبیین تربیتی تقوا در سبک زندگی، اثر: احمد رضا نصر حسین نظری، علی قاسمپور، ستاره موسوی؛ آثار تربیتی فردی تقوا، اثر رویا نصیری، انتشارات آلتین ۱۳۹۳ و همچنین اثرات بسیار زیاد دیگر.

در این نوشته ها عمدتاً به معنای تقوا و آثار آن در دنیا و آخرت پرداخته شده است.

روش گرد آوری مطالب، کتابخانه ای (مراجعه و دانلود و مطالعه از سایت) و روش تدوین مطالب، توصیفی است.

مفهوم شناسی تقوا

تقوا، از مصدر وقایه و ریشه «وقی» در لغت به معنای «حفظ کردن و نگاه داشتن از بدی و گزند» است. گفته‌اند این کلمه در اصل «وقوی» بوده که واو آن به تاء تبدیل شده است. اسم فاعل آن، تقی و متقی به معنای «صاحب تقوا» است.

این کلمه معادل دقیقی در فارسی ندارد و کلمه‌های معادل هر کدام جنبه‌ای از معنای آن را منتقل می‌کنند ولی بیشتر آن را معادل واژه «پرهیزکاری» دانسته‌اند.^۱

در قرآن کریم واژه «تقوا» ۱۷ بار و مشتقات آن بیش از ۲۰۰ بار آمده است. از منظر قرآن، فقط اعمال متقیان پذیرفته است و به کاری که بنیان آن براساس تقوا نباشد اعتنایی نمی‌شود: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»

قرآن در ضمن بیان بعضی احکام حج به برگرفتن توشه از اعمال نیک فرمان داده و از تقوا به عنوان بهترین توشه یاد می‌کند: «تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ». همچنین در آیه‌ای دیگر ملاک ارزش انسانها نزد خدا درجه تقوای آنها معرفی شده است «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ».

تقوا اصطلاحی اخلاقی به معنای خویش‌داری در اطاعت از دستورات الهی و دوری از گناهان است. قرآن تقوا را شرط نجات از آتش جهنم و قبولی اعمال دانسته که موجب نزول برکات بر شخص و رهایی او از گرفتاری‌ها در دنیا می‌شود. تکرار پُرشمار این واژه در قرآن و روایات از جایگاه بالای آن حکایت می‌کند.^۲

مفهوم شناسی تربیت

تربیت در لغت، به معنای پرورش دادن است که در آن نمو و زیادتی ملاحظه شده است. راغب می‌گوید: ربّ در اصل به معنای تربیت است و ربّ به طور مطلق فقط بر خداوند اطلاق می‌گردد که متکفل اصلاح موجودات است^۳ در دهخدا به معنی پروراندن، پروردن، پروردن و آموختن معنی شده است. معنای تربیت در یک عبارت این است: «روش رفتاری و گفتاری دادن به غیر، طوری که این روش، ملکه ذهن او شود.» کسی را تربیت کردن یعنی این که روش رفتاری و گفتاری به وی یاد داده شود. تربیت در بُعد اخلاقی این است و اگر ملکه ذهن شد، بدین معنی است که هر وقت کاری انجام دهد بر اساس روش رفتاری و گفتاری می‌باشد که مربی به وی آموزش داده^۴.

آثار تربیتی تقوا از منظر قرآن و عترت

۱ ده گفتار از استاد شهید مطهری، گفتار تقوا به نقل از ویکی شیعه

۲ ویکی شیعه

۳ مفهوم شناسی تربیت در قرآن کریم، محمدعالم احمدزاده

تقوا که از نمادها و نماهای معروف و مهم در اسلام است و ارزش و اهمیت والایی دارد، دارای اثرات زیادی در شئون مختلف زندگی انسان دارد؛ از اثرات آن در زمینه برکات دنیوی مانند آرامش و افزایش رزق و ... تا اثرات آن در تربیت انسان.

در نوشته پیش رو به بررسی آثار تربیتی تقوا از نگاه آیات و روایات پرداخته می شود. این آثار در دو جهت فردی و اجتماعی است که این نوشته در دو بخش آن ها را خواهد گفت:

الف) آثار تربیتی_ فردی تقوا

تقوا مضافاً بر این که یک وظیفه الهی است و بر عهده همه مکلفین است آثار آن نیز در زندگی فردی انسان ظهور می کند و موجب تکامل و تربیت انسان می شود. توضیح این که خداوند تبارک و تعالی چون بی نیاز مطلق است خلقت انسان ها و همچنین برنامه های خود را برای تکامل و رشد خود انسان ها ترتیب داده است یکی از مهم ترین تکالیف و خواسته های خداوند تبارک و تعالی، رعایت تقوا است. تقوا برکات زیادی دارد که از جمله آنها برکات تربیتی فردی است. که برخی از آن آثار در ذیل آورده می شود:

۱- هدایت

در هر کاری هدایت و راهنمایی از اصلی ترین نیاز های انسان است و در امر تربیت و تکامل نیز اهمیت بیشتر به خود می گیرد. لذا در اولین شماره از آثار تقوا، به این اثر مهم می پردازیم.

قرآن کریم در این باره می فرماید:

«هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ»^۱

هدایت همان پیمودن طریق تکامل است که انسان مراحل نقص را پشت سر گذاشته و به مقامات بالاتر معنوی راه یابد. مسلماً قرآن کریم برای هدایت همه انسان ها نازل گردیده است اما خدای متعال می فرماید: «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»^۲ قرآن مایه هدایت پرهیزکاران است» و بهره مندی از هدایت را مخصوص پارسایان می نماید. شاید سر این اختصاص این است که تا اولین مرحله تقوا که همان تسلیم در برابر حق و پذیرش آن است، در انسان وجود نداشته باشد، او هیچ گاه در پی حق نبوده و به دعوت پیامبران گوش نخواهد سپرد. آن کس حق و هدایت را می پذیرد که در جستجوی آن باشد. لذا هدایت قرآن کریم شامل حال پارسایان خواهد بود زیرا همانگونه که زمین شوره زار هرگز

سنبل بر نیارد اگر چه هزاران مرتبه بر آن باران ببارد، سرزمین وجود انسان نیز تا از آلودگی‌های گناهان پاک نگردد، بذر هدایت را نمی‌پذیرد و شکوفا نمی‌گردد^۱

تقوا و خشیت دو عامل مهم در استفاده از هدایت الهی

قرآن در معرض استفاده‌ی ما است، اما اینکه آیا ما استفاده می‌کنیم یا نه، آیا ما می‌توانیم استفاده کنیم یا نه، خودش مسئله‌ی مهمی است. بله، قرآن درس را در اختیار ما گذاشته، هدایت را به ما عرضه کرده، اما ما کی می‌توانیم از این هدایت قرآنی استفاده کنیم؟ هُدَى لِّلْمُتَّقِينَ؛ وقتی تقوا وجود داشته باشد. وقتی تقوا وجود داشت، این هدایت به معنای واقعی کلمه و به تمام معنی‌الکلمه در اختیار ما خواهد بود. البته تعبیرات در قرآن مختلف است لکن مرجع همه‌ی آنها یکی است؛ اینجا در اول قرآن «هُدَى لِّلْمُتَّقِينَ» است، در یک جا «هُدَى وَبُشْرَى لِّلْمُؤْمِنِينَ»^۲ است، در یک جا «هُدَى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»^۳ است، در یک جا «هُدَى وَبُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ»^۴ است، در یک جا «هُدَى لِّلنَّاسِ» است؛ این مراتب مختلف هدایت است: «هُدَى لِّلنَّاسِ» یعنی در اختیار آنها است، می‌توانند استفاده کنند، «هُدَى لِّلْمُتَّقِينَ» یا «هُدَى وَبُشْرَى لِّلْمُؤْمِنِينَ» [هم] مراتب بهره‌مندی از این هدایت را برای انسانها مشخص می‌کند. در آیات دیگری، «خشیت» ملاک قرار گرفته است که حالا عرض می‌کنم مرجع آن هم باز به تقوا است: «إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ»^۵ - در سوره‌ی مبارکه‌ی یاسین - آن کسی می‌تواند از انذار قرآنی استفاده بکند و در جان او اثر بگذارد و دست او را بگیرد و پیش ببرد که دارای خشیت باشد. یا در سوره‌ی مبارکه طه: طه، ما أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى، إِلَّا تَذَكُّرَةً لِّمَن يَخْشَى.^۶ در قرآن چندین آیه‌ی دیگر هم هست که مربوط به همین خشیت است. خشیت هم صفت اهل تقوا است؛ یعنی وقتی ما تقوا داشته باشیم، خشیت هم به سراغ ما می‌آید که حالا اینجا این آیه‌ی شریفه را من بخوانم: وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَ هَارُونَ الْفُرْقَانَ وَ ضِيَاءً وَ ذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ^۷ آنچه به هارون و موسی (علیهما السلام) داده شد، هدایت و ذکر

^۱ آثار و برکات تقوا در قرآن، مهدی زیرکی به نقل از <http://ensani.ir/fa>

^۲ نمل/۲

^۳ نحل/۶۴

^۴ نحل/۱۰۲

^۵ یس/۱۱

^۶ طه/۱ تا ۳

^۷ انبیاء/۴۸

بود برای متّقین؛ متّقین چه کسانی هستند؟ متّقین را قرآن معنا می کند: الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ.^۱ پس بنابراین، تقوا و خشیت هم یا همراهند یا اساساً جدا از هم نیستند و تحت یک مفهوم قرار می گیرند.^۲

هر چه انسان از تقوای بیشتری برخوردار باشد از هدایت قرآن بهره مند می شود. پایین ترین درجه تقوا، تقوای عقلانی بود و بالاترین درجه تقوا در نیت و عمل بود و اگر انسان از پایین ترین درجه تقوا برخوردار باشد و عقل خود را به کار بگیرد، وارد اولین مرتبه دین شده و مسلمان می شود. اگر کسی تقوای عقلانی را رعایت کند و هر چه عقل می گوید گوش دهد و به خوبی و بدی های عقلی عمل کند، مسلمان می شود، زیرا اسلام چیزی جز حق نیست. تفسیر دقیق این آیه^۳ با توجه به توضیحاتی که داده شد این است که این قرآن انسان های با تقوا را هر قدر تقوا داشته باشند، هدایت می کند حتی اگر مسلمان نباشی اما حرف عقل را گوش دهی هم، قرآن تو را هدایت می کند.^۴

۲- جلب دوستی خدا

محبت نقش اساسی در طرز رفتار و سلوک انسان و تربیت اسلامی از دیدگاه قرآن دارد و نقش و اهمیت عواطف و انفعالات به حدی است که امام صادق در روایتی ایمان را منحصر در حب و بغض نموده است.

قرآن کریم در باره این اثر از تقوا می فرماید:

بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ^۵

تربیت و مدیریت کلان نظام هستی در دو جهان، به دست خداست و انسان، غیر از خدا، سرپرست و یآوری ندارد. کسی که انتظار مهرورزی از خدا دارد، باید با خلق خدا مهربان باشد. دانشمندان در تعریف «حُب» می گویند: حُب آن است که آدمی به چیز لذت بخشی میل کند و معلوم است در صورتی شیء مذکور مورد حب و علاقه قرار می گیرد که آن چیز را بشناسیم و به قلب یا یکی از حواس درک نمائیم و مسلم است هر اندازه معرفت بیشتر و لذت زیادت باشد؛ حب و علاقه فزونتر خواهد بود. و نیز معلوم است که بینایی باطنی از بینایی ظاهری قوی تر است و ادراک قلبی از دیدار چشمی شدیدتر است و زیبایی و لطائف معانی را که با چشم عقل احساس می کنیم از زیبایی صورت های ظاهری که با چشم سر می نگریم بزرگتر است. در باب محبت و مهرورزی به شاهد قرآنی اشاره می کنیم: خداوند تبارک و تعالی در آیه ۵۴ سوره مائده می فرماید « قَالَ اللَّهُ تَعَالَىٰ بَجِيبِهِمْ وَ يَحْبُونَهُ » خدا

^۱ انبیاء/۴۹

^۲ بیانات در محفل انس با قرآن کریم <https://farsi.khamenei.ir>

^۳ آیه دوم سوره بقره

^۴ آیت الله ری شهری در جلسه تفسیر به نقل از: <http://iqna.ir/fa/ads/redirect/a/۵۸۵>

^۵ آل عمران/۷۶

آنان را و ایشان خدای متعال را دوست دارند. و رسول خدا (صل الله علیه و آله) می فرمایند: «هیچ یک از شما ایمان نمی آورید مگر در صورتیکه خدا و رسول را از سایرین محبوب تر بدانند راز پیشرفت اسلام در مهرورزی پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله) به مردم نهفته است: «فبما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك»^۱: پس به برکت رحمت الهی با مردم نرمخو و پرمهر شدی و اگر تند خو و سخت دل بودی قطعا از پیرامون تو پراکنده می شدند.^۲ طبیعتا وقتی کسی محبوب خدا قرار بگیرد تربیت میابد و تکامل می پذیرد.^۳

توضیح و تفسیر آیه

بلی من اوفی بعهده و اتقی فان الله يحب المتقين، این آیه شریفه، کلام یهود را رد نموده و آنچه را که با کلام خود لیس علینا فی الامیین سبیل^۴ نفی می کردند را اثبات می کند، آنها می گفتند: امیین تسلطی بر ما ندارند، آیه مورد بحث می فرماید خیر، شما امتیازی بر امیین ندارید و تقدم و تسلط حق هر کسی است که تقوا داشته باشد، و تقدیر کلام چنین است، بلی من اوفی بعهده و اتقی، فان الله یحبه، لانه متق و الله یحب المتقین (بلی کسی که به عهد خود وفا کند و پرهیزکار باشد، خدا دوستش می دارد، برای اینکه چنین کسی مصداق عنوان متقی است و خدا بطور کلی متقیان را دوست می دارد، پس آن شخص وفادار را دوست می دارد) و منظور این است که به یهودیان بفهماند کرامت و احترام آدمی در درگاه خدا به ادعا نیست و شما با گفتن: لیس علینا فی الامیین سبیل، صاحب کرامت نمی شوید بلکه تنها کسی در نزد خدا کرامت دارد که خدا دوستش بدارد. در نتیجه مفاد کلام چنین است: کرامت الهیه و محترم بودن در درگاه خدا آن قدر مبتذل و آسان نیست که هر کس خود را به صرف خیال منتسب به خدا کند، و یا به آن برسد و یا هر متکبر و فریبکاری انتساب خود را کرامت پنداشته و نژاد خود و یا دودمانش را به ملاک همین انتساب خیالی تافته جدا بافته بداند، بلکه رسیدن به کرامت الهی شرایطی دارد و آن وفای به عهد و پیمان خدا و داشتن تقوا در دین خدا است، اگر این شرایط تمام شد کرامت حاصل می شود، یعنی آدمی مورد محبت و ولایت الهی قرار می گیرد، ولایتی که جز بندگان با تقوای خدا کسی به آن نمی رسد و اثر آن نصرت الهیه و حیات سعیده ای است که باعث آبادی دنیا و صلاح باطن اهل دنیا و رفعت درجات آخرتشان می شود.^۵

ارتباط تقوا با حب الهی

^۱ آل عمران/ ۱۵۹

^۲ آل عمران/ ۱۵۹

^۳ <https://www.porseman.com/>

^۴ آل عمران/ ۷۵

^۵ فرهنگ قرآن، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، برگرفته از مقاله «جلب محبت خدا» به نقل از ویکی خبر (کلام علامه طباطبایی)

راه طبیعی برای ارتباط عاطفی با دیگران، این است که انسان کاری کند که آن‌ها خوششان بیاید. همه انسان‌ها به طور فطری این مسأله را می‌فهمند و می‌کوشند که چیزهایی ناخوشایند محبوب را از خود ظاهر نکنند تا مانع برقراری آن ارتباط عاطفی نشوند. اگر ما بخواهیم با خدا رابطه محبت داشته باشیم، باید همین کار را بکنیم. اگر کاری کنیم که خدا خوشش بیاید، حتما خدا نیز ما را دوست خواهد داشت و به دنبال آن این رابطه به صورت زیگزاگ تقویت می‌شود.^۱ با عظمت ترین پادش این است که خداوند مردم با تقوا را دوست می‌دارد « فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ »^۲. قطعی است که خداوند مردم با تقوا را دوست می‌دارد ..

« إِنَّ أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ »^۳ نیست دوستان خدا مگر مردم با تقوا ولی اکثر آنان نمی‌دانند. اگر ما انسان‌ها طعم محبت خدا را می‌چشیدیم و عظمت محبت او را در می‌یافتیم، یعنی اگر درک می‌کردیم که خداوند ما را دوست می‌دارد، و بالعکس، اگر درک می‌کردیم که طعم عظمت این که ما خدا را دوست بداریم یعنی چه، آن موقع می‌فهمیدیم درجه‌ی رشد و کمال انسانی چیست و به کجا می‌رسد. در این صورت قطعاً در سود تحصیل عوامل به وجود آمدن محبت به خدا و جلب محبت خدا که همان تقواست بر می‌آمدیم. قرار گرفتن در جاذبه‌ی محبت خدا که در نتیجه‌ی تقوا بوجود می‌آید، بالاترین مرحله‌ی تکامل یک انسان است زیرا تا آدمی از زرق و برق دنیوی حیات نگذرد و زنجیری را که با دست خود به جهت علاقه به مال و منال و مقام و شهرت، به روح خود بسته است، از رخ خود باز نکند، موفق بر قرار گرفتن در جاذبه‌ی محبت خدا وندی نمی‌شود. خدا با مردم با تقواست: « وَأَتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ »^۴ و برای خدا تقوا بورزید و بدانید که خدا با مردم متقی است همین معنی در سوره‌ی توبه آیات ۳۶ / ۲۴ / ۱۲۳ و سوره نحل آیه ۱۲۸ نیز وارد شده است. البته همانگونه که امیر المومنین (علیه السلام) فرموده است: «خدا با همه چیز و با همه کس است». « مَعَ كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا بِمَقَارَنِهِ »^۵ «او با همه موجودات است، بدون پیوستگی». یعنی معیت و نزدیکی خداوند با همه‌ی انسانها، معیت و نزدیکی نیست بلکه در اتصالی بی تکلیف و بی قیاس است که فقط در رابطه‌ی ما بین خدا و مخلوقات است. ...به هر حال، معنای این که خدا با مردم با تقواست، با این که خدا با همه‌ی مردم است، هدف و عنایت ربانی است که استعداد پذیرش آن را فقط تقوا می‌تواند در درون انسان به وجود بیاورد. به عبارت دیگر مردم با تقوا با تلاش و تکاپو در مسابقه‌ی خیرات و کمالات، درون خود را آماده‌ی پذیرش فروغ الهی می‌کنند و این فروغ الهی همواره آنان را در بارگاه الهی قرار می‌دهد. با کرامت‌ترین و شریف‌ترین انسان‌ها نزد خدا با تقواترین آنهاست «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ

^۱ <https://mesbahyazdi.ir>

^۲ آل عمران/۷۶

^۳ انفال/۳۴

^۴ توبه/۳۶

^۵ نهج البلاغه خطبه ۱

أَتَقَنُّكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»^۱ «ای مردم ها ، شما را از مردی وزنی آفریدیم و شما را ملل و قبیله هایی قرار دادیم تا به یکدیگر معرفت پیدا کنید ، {و برای زندگی هماهنگی کنید} با کرامت ترین شما نزد خدا با تقواترین شماهاست .» بر اساس این آیه کرامت طبیعی را خداوند به عموم انسانها عنایت فرموده است . وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا^۲ : « ما فرزندان آدم را تکریم کردیم و آنان را در خشکی و دریا به جریان انداختیم و از هوا و پاکیزه به آنان روزی دادیم و به مقداری فراوان از آن چه آفریدیم برتری دادیم » این کرامت از نظر عظمت و ارزش قابل مقایسه با کرامت ناشی از تقواست ، کرامت طبیعی که برای همه ی انسان ها عنایت شده است ، در نتیجه ی تلاش و تکاپوی اختیاری به دست نیامده است ، به همین جهت اغلب مردم آن را نمی شناسند و از آن بهره برداری نمی کنند^۳ .

۳- برون رفت از تنگناها، نجات از سختی‌ها و شبهات و آسان شدن کارها و مشکلات

قطعا یکی از مهم ترین معطلات در تربیت، باز بودن و رهایی از تنگناهاست که مهم ترین تنگناها، گرفتاری انسان در بند هوی است. امیر المومنین(علیه السلام) فرمود: کم من عقل اسیر تحت هوی امیر. در این باره آیاتی از قرآن وجود دارد که برخی از آنها آورده می شود.

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا»^۴ «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى • وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى • فَسَنِّي سِرَّهُ لِّلْيُسْرَى»^۵

تقوی راه گشای انسان از تنگناها است. اگر با تقویت ایمان و نیروی اراده، باورها و اعتقادات جوان تقویت گردد، بدون شک بخشی از مشکلات وی به ویژه در زمینه مسایل اخلاقی و شهوت و غریزه جنسی درمان می شود. اگر جوان از ته دل باور نمود که تمام اعمال و رفتار او را خدا می بیند و بر اساس عملکرد افراد به آنها پاداش می دهد و اساساً سعادت و خوشبختی انسان به دست خودش می باشد، در این صورت احتمال اینکه مرتکب گناه نشود بسیار زیاد است. یقین داشته باشید، تا زمانی که نیروی ایمان و تقوا در وجود انسان بارور و تقویت نگردد، هیچ

^۱ حجرات/۱۳

^۲ اسراء/۷۰

^۳ KARBALA پایگاه مقالات ، تحقیقات و پژوهش های دینی تقوا و متقین در قرآن

^۴ طلاق/۴

^۵ لیل/۶

ضمانتی از کنترل شهوت و انحرافات اخلاقی وجود ندارد. به خصوص در وضعیت کنونی که عوامل تحریک کننده بسیار زیاد است.^۱

۴- اصلاح تباهی قلب و طهارت نفس

یکی از مهم ترین اصلاح ها، اصلاح و تربیت نفس است که به بیان آیه شریفه ذیل، این اتفاق برای انسان متقی حاصل می شود. قرآن کریم در این مورد می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا • يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ^۲»

که به گفته برخی مفسران اصلاح عمل به این است که خداوند آن را بپذیرد یا از سر لطف، انسان را به انجام دادن کار صالح موفق کند.

در روایات نیز به این امر تاکید شده است. از باب نمونه، سخن امیرالمومنین (علیه السلام) در نهج البلاغه است که می فرماید:

إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ دَاءِ قُلُوبِكُمْ ... وَصَلْحُ فُسَادِ صُدُورِكُمْ، وَ طَهْرٌ دَنَسِ أَنْفُسِكُمْ
تقوای الهی داروی درد قلبهائیتان و مایه اصلاح تباهی سینه‌هایتان و پاک کننده آلودگی جانهایتان است.^۳

و این مواردی که در روایت فوق اشاره شده است همان تربیت نفس و تربیت انسان است.

تقوا در قرآن ۴ و احادیث به عنوان یک ارزش اصیل و بهترین داروی شفابخش بیماری‌های قلبی و بزرگ‌ترین وسیله تزکیه نفس معرفی شده است. انسان مؤمن به وسیله تقوا، می‌تواند راه خودسازی را بی‌پیماید، زیرا تقوا نیروی درونی و تعهد انسان به اطاعت از قوانین و دستورات شرع است که او را در برابر گناه کنترل می‌کند. چنانچه حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:^۵ ای بندگان خدا بدانید تقوا دری است مستحکم و غیر قابل نفوذ.^۶

^۱ <https://www.porseman.com/>

^۲ احزاب/۷۰

^۳ نهج البلاغه: الخطبة ۱۹۸.

^۴ سوره طلاق/۵

^۵ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۳، ص ۴۲۶.

^۶ <http://wikifeqh.ir/>

انسان مومن به و سیله تقوا راه خود سازی را می پیماید، زیرا تقوا آن نیروی درونی است که او را در برابر گناه کنترل می کند. به همین دلیل است که علی(علیه السلام) می فرماید؛ بدانید ای بندگان خدا، تقوا دژی است مستحکم و غیر قابل نفوذ.

بعضی تقوا را به حالت کسی تشبیه کرده اند که از یک سرزمین پر از خار عبور می کند و سعی دارد دامن خود را کاملاً بر چیند و با احتیاط گام بر دارد مبادا خاری درپایش برود. اگر انسان در زندگی خود این چنین دقیق حرکت کند و مواظب اعمال و رفتار و گفتار خود باشد تا به گناه آلوده نشود مسلماً توفیق می یابد که جلو هوای نفس را بگیرد و هنگامی که به این مرحله رسید زمینه وجودی او برای خودسازی آماده می شود. حضرت علی(علیه السلام) می فرماید؛ بدان که گناهان همچون مرکب های سرکش است که گنهکاران بر آنها سوار می شوند و لجامشان گسیخته می شود و آنان را در قعر دوزخ سرنگون می سازد. اما تقوا مرکبی است راهوار و آرام که صاحبانشان بر آن سوار شده زمان آنها را به دست می گیرند و تا قلب بهشت به پیش می تازند.

در آیات و روایات بر تقوا تاکید فراوانی شده است از جمله خداوند می فرماید؛ به سوی مغفرت پروردگارتان بشتابید و به سوی بهشتی که عرضش به مقدار آسمانها و زمین است و برای متقین آماده شده است.

شخص مسلمان باید به دفتر اعمال خود نظری انداخته و ببیند چه کرده و چه می کند. آیا در اعمال و رفتار خود رضایت حق را مورد توجه قرار داده یا نه؟ آیا به جهت پروای از باری تعالی از لذات و مادیات دنیوی چشم پوشیده یا جهت دیگری دارد؟ که خداوند می فرماید؛ الا ای اهل ایمان! خدا ترس شوید و هر نفسی در کار دنیای خود نیک بنگرد تا چه عملی برای فردای قیامت خود پیش می فرستد.

امام خمینی (ره) در کتاب چهل حدیث می فرماید؛ اگر توانستیم نفس اماره را مهار کرده و به راه مستقیم گام نهیم آن وقت است که راه سلوک الی الله سهل و آسان شود و طریق انسانیت روشن و وسیع می گردد و قدم او کم کم قدم حق شود، از نفس اماره و آثار آن گریزان گردد.

در مکتب اسلام متقین از مومنین ممتاز شمرده می شوند. قرآن مجید ملاک کرامت و ارزش انسانها را در تقوا می داند. همچنین در نهج البلاغه و کتب حدیث تقوا به عنوان رئیس اخلاق و بزرگ ترین و سیله سعادت معرفی شده است. حضرت علی(علیه السلام) تقوا در راس همه امور اخلاقی قرار دادند. در بعضی احادیث تقوا به عنوان عامل مهمی در تزکیه و تهذیب نفس و داروی شفا بخش بیماری های نفس معرفی شده است. امیر مومنان(علیه السلام) فرمود؛ تقوا را از دست ندهید چون جامع همه خیرات و خوبی هاست و خیری جز تقوا وجود ندارد و خیراتی که به سبب تقوا حاصل می شود و در غیر آن یافت نمی شود چه خیر دنیا و چه خیر آخرت.

در نتیجه می توان گفت که تقوا یعنی تعبد و تعهد انسان به اطاعت از قوانین شرع و اگر تقوا به معنای خوف و "اتقوا الله" به معنای از خدا بترسید باشد بنده باید از اعمال خود بترسد که چگونه می تواند با این همه نافرمانی

در مقابل دادگاه عدل الهی بایستد و جوابگو باشد چنانکه در دعا وارد شده؛ ای کسی که جز به فضلش امید نمی رود و جز از عدلش ترسیده نمی شود.^۱

۵- بهره مندی از تعالیم الهی

حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرماید: علم تنها آموختن نیست بلکه آن نوری است که خداوند در دل آن کسی که می خواهد هدایتش کند قرار می دهد.^۲ با این بیان روشن می گردد که هر انسانی که با ملکوت اعلی ارتباط پیدا کند، معارفی در نفسش القا می گردد. بدین معنی که قلب آدمی چونان آینه‌ای است و حضرت حق چون آفتاب، هر قدر آینه پاکیزه و صیقلی باشد، همانقدر نور حق در آن بیشتر تابیدن گیرد و همه جا را روشن گرداند. در طول تاریخ، علما و بزرگان زیادی به مقاماتی شده‌اند که هرگز از طریق عادی نمی توانسته‌اند به آن مقامات علمی دست یابند مگر آن که متصل به علم بیکران الهی گردیده باشند. لذا اساتید بزرگ، تصفیه نفس و اخلاص نیت را برای تحصیل علوم و معارف ضروری می شمارند چرا که پارسائی و دوری از محرمات است که نفس را صفا می دهد و از پلیدی‌ها می رهند و او را با عالم بالا مرتبط می سازد و لایق تعلیم الهی می گرداند. و از همین گذر است که تفکر در آیات الهی و تعمق در آنها به اهل تقوا منسوب شده است، آنجا که می فرماید: «إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ؛^۳ همانا در آمد و شد روز و شب و آنچه خداوند در آسمان‌ها و زمین آفریده، نشانه‌هایی برای اهل تقوا است.» گرچه سراسر جهان آیات الهی است و همه انسان‌ها حتی کافران در دریای این نشانه‌ها غرقند، اما این صفای قلب پرهیزکاران است که امکان شهود اسرار جهان را به آنان می دهد.^۴

ب) آثار تربیتی - اجتماعی تقوا

در اسلام مؤلفه های اجتماعی خاصی وجود دارد که از مصادیق تقوا می باشد و در تقویت اعتماد در جامعه اسلامی سهیم اند که برخی از مهمترین این مؤلفه ها عبارت اند از: امانتداری، وفای به عهد، انفاق و ... که این مؤلفه ها روابط بین اعضای جامعه را شکل بخشیده، بنیان آن را قوام بخشیده و اعضای جامعه را به هم پیوند می دهند و از گسست جامعه جلوگیری می کنند. مؤلفه های مذکور مؤلفه های ایجابی شمرده می شوند. همچنین، در قرآن و

^۱ دین و اندیشه <https://www.mehrnews.com/>

^۲ حوزه نت

^۳ یونس/ ۶

^۴ آثار و برکات تقوا در قرآن مهدی زیرکی به نقل از <http://ensani.ir/fa>

تعالیم اسلامی، به مؤلفه های سلبی تقوا نیز اشاره شده است که از جمله آنها می توان به رباخواری، رشوه خواری، کم فروشی ... اشاره کرد. مؤلفه های ایجابی به حفظ و استمرار اعتماد در جامعه اسلامی کمک کرده و مؤلفه های سلبی، اعتماد بین افراد جامعه را خدشه دار می سازد. لحاظ کردن چنین مؤلفه هایی در حوزه تعاملات اجتماعی، موجب مودت و رحمت، وحدت و همبستگی، ارتقاء امنیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و در نهایت باعث رشد و کمال جامعه اسلامی می شود.^۱

۱- بهره‌مندی از نصرت و یاری خداوند

برای رسیدن به تربیت و رشد و تکامل جامعه، نیاز به آرامش جامعه و امنیت آن از یک سو و رفع موانع از سوی دیگر است، و این دو مورد قطعاً نیازمند به نصرت و یاری خداوند تبارک و تعالی است. در ذیل به این اثر مهم خواهیم پرداخت.

یکی از مهم‌ترین راه‌های پیروزی بر دشمنان و خنثی شدن تهاجم آنان، بهره‌مندی از یاری و نصرت الهی است که بوسیله تقوا و پارسایی جامعه اسلامی قابل دستیابی است. در قرآن کریم آمده است:

«ان تصبروا و تتقوا و یا توکم من فورهم هذا یمددکم ربکم بخمسۃ من الملائکة مسومین^۲
اگر استقامت نمایید و تقوا پیشه کنید و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید خداوند شما را به پنج هزار فرشته که نشانه‌های مخصوص دارند مدد خواهد کرد» و در آیه‌ای دیگر آمده است:

«و اعلموا ان الله مع المتقین»^۳

امام باقر(علیه السلام) در مورد این آیه فرمود:

«خداوند در این آیه به پرهیزکاران بشارت یاری داد و ضمانت فرمود که آنان را یاری کند» بنابراین با توجه به این راهکار مهم قرآنی، اگر در این عصری که دشمنان خارجی و داخلی با تمام همت تلاش می‌کنند تا از راه‌های مختلف، جامعه اسلامی را به سوی فساد، گناه و تباهی سوق دهند تا در نهایت بار دیگر بر این ملت سلطه یابند و به اهداف شیطانی خود دست یابند، ریشه‌ای‌ترین راهکار که تضمین‌کننده راهکارهای دیگر قرآن در مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمنان می‌باشد، پارسایی و تقوا در تمام عرصه‌های فردی و اجتماعی و سیاسی و اخلاقی است که می‌تواند به صورت دائم نصرت الهی را شامل حال جامعه اسلامی بگرداند و از هر نوع غلبه دشمنان جلوگیری کند و مؤمنان را عاقبت به خیر نموده، به رستگاری برساند.^۴

^۱ نقش تقوا در تعاملات اجتماعی ۱ مهدی ایزدی ۲ رخسار عاشوری رودپشتی

^۲ آل عمران/ ۱۲۵

^۳ توبه/ ۱۲۳

^۴ ایسکا: (اختصاصی پایگاه اطلاع رسانی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)

۲- روشن بینی و بصیرت افزایی

قطعا بصیرت داشتن از مهم ترین آثار تربیت دینی انسان است. در این قسمت به توضیح این اثر خواهیم پرداخت. دشمنان می کوشند تا با حق جلوه دادن عقاید، افکار و فرهنگ خویش، جامعه اسلامی را گمراه نمایند و تنها چیزی که می تواند در مقابل این توطئه آنها، جامعه اسلامی را نجات دهد، سوق دادن جامعه به تقوای الهی است تا در پرتو آن، با روشن بینی و بصیرت، حق از باطل و ارزش ها از ضد ارزش ها، تشخیص داده شود و جامعه دچار گمراهی نگردد.

خداوند در قرآن کریم، خطاب به مؤمنان می فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا ان تتقوا الله يجعل لکم فرقانا^۱

ای کسانی که ایمان آورده اید اگر تقوای الهی داشته باشید، خداوند برای شما مایه تمیز (خوب و بد، حق و باطل) را قرار می دهد»
و در آیه ای دیگر آمده است:

«ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا فاذا هم مبصرون^۲

آنان که تقوای الهی دارند اگر افکار و اندیشه های ناروا و شیطانی در آنها به وجود آید، خدای را یاد می کنند و آن گاه از بینایان می شوند»

بیان کلمه «طائف» در آیه نشان می دهد که شیطان، گرداگرد انسان می چرخد و او را رها نمی کند، حتی نسبت به فرد پرهیزکار، و تا او را به گناه نکشاند دست بردار نیست. افراد پرهیزکار هر گاه گرفتار وسوسه و دام شیطان گردند به یاد خدا می افتند و خدا را حاضر و ناظر می دانند، آن گاه غبار غفلت از وجودشان زدوده می شود، و بینا می گردند.^۳

۳- رشد و تکامل جامعه و رسیدن به اهداف الهی

برای تحقق تربیت دینی اجتماع، نیاز به برکات و عنایات خاصه الهی است. یکی از آثاری که در قرآن کریم و روایات تاکید بر آن شده است، نزول برکات الهی است. و یقینا یکی از برکات الهی کمک به تربیت و رشد و تکامل جامعه است.

تربیت جامعه در پرتو تقوا، به معنای رشد و تکامل جامعه و رسیدن به اهداف الهی در خلقت انسانهاست.

خداوند در آیه شریفه ذیل به صراحت وعده نزول برکات بر متقیان و جامعه با تقوا دارد:

^۱ انفال/ ۲۹

^۲ اعراف/ ۲۰۱

^۳ ایسکا: (اختصاصی پایگاه اطلاع رسانی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^۱
در این آیه، که سخن از رابطه برکات زمین و آسمان؛ باتقوا است، با صراحت می فرماید: ایمان و تقوا سبب می شود که برکات آسمان و زمین به سوی انسانها سرازیر گردد؛ و بعکس، تکذیب آیات الهی (و بی تقوایی) سبب نزول عذاب می گردد. برکات آسمان و زمین، معنی وسیعی دارد که نزول بارانها، رویش گیاهان، فزونی نعمتها، و افزایش نیروهای انسانی را شامل می شود.

برکت در اصل به معنی ثبات و استقرار چیزی است، و این واژه بر هر نعمت و موهبتی که پایدار بماند اطلاق می گردد؛ بنابراین موجودات بی برکت آنها هستند که ثبات و قراری ندارند و زود فانی و نابود می شوند.

بسیارند از امتهایی که دارای امکانات مادی فراوان هستند و منابع زیرزمینی و روزمینی و انواع صنایع را دارند، ولی به خاطر تباهی اخلاق و فساد اعمال که نتیجه مستقیم فساد اخلاق است، این مواهب برای آنها ناپایدار و فاقد برکت است و غالباً در مسیر نابودی شان به کار گرفته می شود.

به همین دلیل، آیات قرآن، از کسانی سخن می گوید که نعمتهای آنها وبال و مایه بدبختی شان شد.

مثلاً، در آیه ۸۵ سوره توبه می خوانیم: «وَلَا تَعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ؛ مبادا اموال و اولادشان مایه اعجاب تو گردد، خدا می خواهد به وسیله آن، آنها را عذاب کند و جانشان بر آید در حالی که کافر باشند».

آری! این نعمتها هنگامی که با فساد اخلاق توأم شود، هم مایه عذاب دنیا است، هم موجب خسران و زیان آخرت! به تعبیر دیگر، هرگاه مواهب الهی با ایمان و اخلاق و اصول انسانی همراه باشد مایه عمران و آبادی و رفاه و آسایش و سعادت و نیکبختی است این همان چیزی است که در آیه مورد بحث به آن اشاره شده است.

بالعکس، هرگاه با سوء اخلاق و بخل و ظلم و خودکامگی و هوسبازی همراه باشد، مایه تباهی و فساد است!^۲

۴- کرامت انسانی

آیه ذیل، به نحو گویاتری، مبنا بودن تقوا برای دست یابی به کرامت انسانی را مطرح می نماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ.^۳

^۱ اعراف/۹۶

^۲ <https://hawzah.net/fa/Default>

^۳ حجرات/۱۳

انسان با تقوا، کریم است؛ یعنی همان طور که وجود و عدم کرامت تابع وجود و عدم تقوا است، میزان شدت و ضعف آن نیز بر اساس شدت و ضعف تقوا مبتنی می باشد. امام علی (علیه السلام) در این خصوص می فرماید: «ولا کرم کالتقوی» و رسول خدا (صل الله علیه و آله) به نحو بارزتری می فرمایند: «الکرم التقوی»؛ کرامت وابسته دست یابی به تقوا است.

امام خمینی (قدس سره) در رابطه با این موضوع بیان می دارند: همه برادر و برابرند؛ فقط و فقط کرامت، در پناه تقوا و برتری به اخلاق فاضله و اعمال صالحه است.

همچنین می فرمایند: شرافت به تقواست.^۱

۵- بینایی و شکوفایی عقل

در تربیت اسلامی، شکوفایی و پرورش عقل از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا عقل در وجود انسان به ودیعه نهاده شده است تا بوسیله آن، مصالح و مفاسد، خیرات و شرور، عوامل سعادت و شقاوت و بالاخره باید ها و نباید ها را به خوبی بشناسد و تمییز دهد. بدین ترتیب، رسالت مهمی بر دوش عقل نهاده شده است و توانایی انجام آن را هم دارد. ازسوی دیگر، اموری به عنوان دشمنان و مخالفان عقل برشمرده می شوند و همیشه با عقل در حال جنگ و ستیزند. دشمنان می کوشند نور عقل را خاموش و او را از رهبری معزول نمایند و کشور تن را در انحصار خویش آورند. ... «تقوا، دشمنان عقل را رام و مهار می نماید و نمی گذارد در برابرش گرد و غبار به وجود آورند و اثر عقل را خنثی کنند. قرآن کریم اثر تربیتی تقوا را در دو آیه بیان فرموده است. آیه نخست: یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و آمنوا برسوله یوتکم کفلین من رحمته و یجعل لکم لئورا تمشون به؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، تقوا پیشه کنید و به پیامبر اسلام (صل الله علیه و آله) ایمان بیاورید تا خدا شما را از رحمتش دو بهره نصیب گرداند و برایتان نوری قرار دهد که به وسیله آن حرکت و زندگی نمایید (حدید/ ۲۸) در این آیه شریف، سخن از بصیرتی است که به انسانهای با تقوا داده می شود و آنها در پرتو آن، راه درست را از نادرست به خوبی تشخیص می دهند. البته این نور و بصیرت درجات و مراتبی دارد: هرچه درجه تقوای انسان بیشتر باشد، نوری که خداوند به او می دهد قوی تر است. آیه دوم: یا ایها الذین آمنوا ان تتقوا الله یجعل لکم فرقانا؛ ای اهل ایمان، اگر تقوای الهی داشته باشید، خداوند به شما فرقان می دهد (انفال / ۲۹) فرقان یعنی چیزی که میان دو شیء فرق می گذارد، چنان که یکی از اسامی قرآن کریم فرقان است زیرا به وسیله آن، حق از باطل مشخص می شود. در این آیه مبارکه،

^۱ دکتر سوسن کشاورز جایگاه کرامت انسانی در آموزه های دینی و رهنمودهای امام خمینی به نقل از پرتال امام

منظور از فرقان این است که خداوند نوری در انسانهای با تقوا قرار می دهد تا به وسیله آن بتوانند، به خوبی، حق را از باطل تشخیص دهند^۱.

۶- بیدار کردن وجدان کاری

تقوا وجدان کاری افراد را بالا می برد و باعث می شود که در برابر کار و وظیفه شان از خود تعهد نشان دهند. وقتی تقوا، وجدان کاری افراد را افزایش داد، افراد کار را گونه ای عبادت می دانند و به کار و تلاش به همان اندازه ارج می نهند که به عبادت؛ امام صادق علیه السلام در این باره به یاران خود فرمود: «از ما نیست کسی که کار و تلاش مربوط به زندگی دنیوی را به خاطر پرداختن به امور اخروی رها سازد.» تقوا باعث می شود که افراد پشتکار و استقامت در عمل داشته باشند. عیب اساسی بسیاری از کارهای ما ناتمام گذاردن کارها و طرح های اقتصادی و نیمه تمام رها کردن آنها است، اگر روحیه تقوا در جامعه حاکم باشد و به خصوص مسئولان امور، تقوا را رعایت کنند، طرح ها و پروژه های اقتصادی به بهره وری می رسند و اوضاع اقتصادی کشور بهبود می یابد. قوا به نوعی اقتصاد کشور را نیز رونق خواهد داد همان گونه که خداوند در قرآن می فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ / و اگر مردم شهرها و آبادی ها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، قطعاً (درهای) بَرَكَاتِ آسمان وزمین را برآنان می گشودیم». اگر در جامعه ای تقوا وجود داشته باشد بیدار کردن وجدان کاری هم در پی آن حاصل خواهد شد، ولی اگر هر فردی نسبت به کارهای خود در جامعه بی تفاوت باشد و چشمانش به دست دیگران باشد و کار و تلاشی انجام ندهد طبیعتاً این عملکرد رونقی را هم در پی نخواهد داشت... از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند که تقوا چیست؟ حضرت در پاسخ به این سوال فرمودند: هر کجا امر خداوند است باشید و هر کجا نهی خداوند است نباشید. پیامبر (صل الله علیه و آله) به یکی از یاران خود می فرماید: اگر همه انسان ها به آیه ۲ و ۳ سوره مبارکه طلاق که خداوند در قرآن فرموده است «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا / هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد؛ و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می رساند؛ و خدا برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است! عمل کنند تمام مشکلاتشان برطرف خواهد شد. (سوره مبارکه طلاق، آیه ۲ و ۳)

۱ بررسی و تبیین تربیتی تقوا در سبک زندگی پاییز ۱۳۹۳ سال نهم - شماره ۸۱ ۱۱۵

۲ <https://www.hawzahnews.com/> حجت الاسلام و المسلمین محمد شمس در گفتگو با خبرنگار خبرگزاری «حوزه» از

نتیجه گیری

در تحقیق حاضر آثار تربیتی تقوا در دو حوزه فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت و طبق فرمایشات ثقلین (قرآن کریم و اهل البیت (علیهم السلام))، آثار تربیتی در زمینه فردی و اجتماعی برای تقوا بیان شد. آنچه از تحقیق حاضر به دست می آید این است که تقوا در حوزه فردی آثار تربیتی دارد و برخی از آنها عبارتند از: شمول هدایت الهی، روزی شدن معرفت دینی، آزادی از بند هوی و هوس و اصلاح تباهی های نفس. و در حوزه اجتماعی نیز، تقوا باعث آثار تربیتی فراوانی می شود. که از آن جمله موارد ذیل است: نصرت الهی، بینش و شکوفایی عقل، رشد و تکامل جامعه و رسیدن به اهداف الهی و کرامت انسانی.

فهرست منابع

الف: کتابها

قرآن کریم

نهج البلاغه

بن یعقوب محمد، اصول کافی، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۷ ش

مطهری مرتضی، ده گفتار از استاد شهید مطهری

ب: مقالات

احمد زاده محمد عالم، مفهوم شناسی تربیت در قرآن کریم پرتال علوم انسانی سال پنجم زمستان ۱۳۸۹ شماره ۱۳
زیرکی مهدی، آثار و برکات تقوا در قرآن نشریه پاسدار اسلام ۱۳۸۵ شماره ۲۹۳

ایزدی مهدی، عاشوری رودپشتی رخسار، نقش تقوا در تعاملات اجتماعی دوره ۱۰، شماره ۲۵
تابستان ۱۳۹۲ فصلنامه علمی بصیرت و تربیت اسلامی

ب: سایت ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری [/https://farsi.khamenei.ir](https://farsi.khamenei.ir)

سایت خبرگزاری حوزه [/https://www.hawzahnews.com](https://www.hawzahnews.com)

سایت خانواده اجتماعی [/http://www.ihcs.ac.ir](http://www.ihcs.ac.ir)

سایت حوزه نت [/https://hawzah.net](https://hawzah.net)

سایت سازمان تبلیغات اسلامی [/http://ido.ir](http://ido.ir)

سایت علوم انسانی <http://ensani.ir/fa>

سایت خبرگزاری بین المللی قرآن <http://iqna.ir/fa/ads/redirect/>

ویکی شیعه

<https://www.tebyan.net/>